



پشت پرده ماجرای حمله شیمیایی به خان شیخون چیست؟

رویکرد واقع‌بینانه به بحران سوریه ایجاب کند هر دو احتمال را جدی بگیریم و در رفتارهای آینده جبهه مقاومت لحاظ کنیم. برای فرماندهان و تصمیمگیران جبهه مقاومت بسیار ضروری است که خارج از جنگ روانی رسانه‌ای و فشارهای بین‌المللی، تیم تحقیقاتی مستقل از دمشق و مسکو تشکیل داده و منشأ فاجعه دیروز را شناسایی کنند.

به گزارش آران نیوز: به نقل از فردا، ظهر دیروز، انتشار یک خبر فضای رسانه‌ای کشورهای عربی و سپس غربی را به سرعت تحت الشعاع قرار داد: «حمله شیمیایی با گاز سارین به شهر خان شیخون در جنوب استان ادلب»
خبر حمله شیمیایی به استان ادلب ابتدا از سوی گروه‌های معارض منتشر شد؛ اما عکس‌های دلخراش آن به سرعت در شبکه‌های اجتماعی رد و بدل شده و واکنش عمومی را در پی داشت. با انتشار گسترده تصاویر دلخراش خان شیخون در شبکه‌های اجتماعی، رسانه‌های آن‌لاین و سمعی بصری واکنش نشان داده و ساعتی بعد تیتراژ تمام رسانه‌ها، تکرار تلخ تراژدی «حمله شیمیایی» بود.

رسانه‌های حامی نظام دمشق، تنها استثناء رسانه‌های جمعی خاورمیانه بودند که در ابتدا ترجیح دادند در مورد این فاجعه ضدانسانی سکوت کنند! ساعتی بعد، نخستین واکنش‌ها منتشر شد و از آن زمان تا صبح امروز، چند واکنش متفاوت از سوی رسانه‌های اصلی حکومت سوریه، ستاد ارتش این کشور، وزارت دفاع دمشق و وزارت دفاع مسکو را شاهد بوده‌ایم.
در این یادداشت، سؤال اصلی در مورد «منشأ» اصلی این فاجعه است تا از دل آن به عامل اصلی این فاجعه پی ببریم! برای دستیابی به پاسخ این سؤال، محتمل‌ترین جواب‌ها را برمی‌شماریم:

احتمال اول

مهم‌ترین گزینه، هدفگیری یک مرکز نظامی یا انبار تسلیحاتی در شهر خان شیخون است که باعث تصاعد گازهای سمی «سارین» و پخش مواد شیمیایی در سطح شهر شده است. در این زمینه، ژنرال ایگور کوناشیکوف سخنگوی وزارت دفاع روسیه، بامداد امروز چهارشنبه اعلام کرد: «بمب‌افکن‌های روسی یک انبار تسلیحاتی بزرگ را در شهر شرقی شهر خان شیخون هدف حملات خود قرار دادند.»

به ادعای سخنگوی وزارت دفاع روسیه، منشأ انتشار گسترده گاز سمی و مواد شیمیایی، همین اسلحه‌خانه بوده است: «در کنار این انبار، یک کارگاه تولید خمپاره‌های حامل مواد سمی و کلور وجود داشت. این مواد سمی از عراق وارد ادلب شده و در عراق نیز به صورت گسترده مورد استفاده قرار می‌گیرد. سازمان‌های بین‌المللی بارها در مورد استفاده از گازهای شیمیایی در عراق هشدار داده‌اند.»

ژنرال کوناشینکف در توضیح رخداد تلخ دیروز می‌گوید: «بمب‌افکن‌های سوری به شکل طبیعی مراکز نظامی را هدف قرار می‌دهند؛ خواه کارگاه‌های تولید خمپاره، خواه اسلحه‌خانه‌ها ... مسئولیت فاجعه دیروز با کسانی است که گازهای شیمیایی و سمی را در این اسلحه‌خانه‌ها نگهداری می‌کنند.»

این پاسخ را می‌توان محتمل‌تر از هر پاسخ دیگری دانست؛ زیرا بیش‌ترین تطبیق را با قرائن بیرونی دارد! با این حال، همین پاسخ می‌تواند باعث محکومیت بین‌المللی دمشق و متحدان آن‌ها بشود؛ زیرا هدف قرار دادن مراکز نگهداری گازهای شیمیایی با هر بهانه‌ای از نظر مقررات جنگی مردود و محکوم است!

در ماده ۱۵ پروتکل دوم الحاقی به معاهدات چهارگانه ژنو صراحتاً در این مورد می‌گوید: «کارخانه‌ها و تأسیسات دارای انرژی‌های خطرناک همچون سدها و آب‌بندها و ایستگاه‌های تولید انرژی هسته‌ای نباید مورد حمله قرار گیرد؛ حتی اگر این تأسیسات مورد استفاده نظامی باشد. اگر چنین حمله‌ای سبب آزادسازی نیروهای خطرناک شده منجر به زیان‌های متعدد به جمعیت‌های غیرنظامی گردد مشمول این ممنوعیت خواهد بود.»

به این ترتیب، گرچه این استدلال از سوی وزارت دفاع روسیه برای تبرئه دمشق از فاجعه دیروز به کار رفته؛ اما باعث محکومیت دمشق به علت ارتکاب جنایت جنگی خواهد شد! برابر عرف قوانین جنگی، هدف قرار دادن مراکز نگهداری گازهای شیمیایی، مانند استفاده از بمب‌های غیرقابل هدایت است که جنایت جنگی به شمار می‌رود!

احتمال دوم؛ مخالفت با شیعیان فوعه و کفریا

احتمال دوم، خطرناک‌تر است. درست از همین دیروز قرار بود معاهده میان جمهوری اسلامی ایران و سازمان تروریستی جیش الفتح در مورد سرنوشت ۵ شهر و روستا اجرایی شود.

بر پایه این توافق، اهالی دو شهر شیعه‌نشین فوعه و کفریا در استان ادلب با ضمانت‌های امنیتی از شهر خود خارج شده و به استان حمص منتقل می‌شوند. در مورد این مذاکرات، طرف مذاکره کننده جیش الفتح رسماً نوشته بود نظام سوریه کم‌ترین نقشی در مذاکرات بر سر شهرهای فوعه، کفریا، زبدانی، مضایا و بلودان نداشته است!

شهر خان شیخون دقیقاً در مسیر میان فوعه و کفریا و استان حمص قرار دارد؛ یعنی قرار بود شیعیان مظلوم و در محاصره فوعه و کفریا با عبور از خان شیخون، به مناطق تحت کنترل نظام منتقل شوند.

در اثر حمله شیمیایی دیروز، عملاً اجرای توافقنامه مربوط به فوعه و کفریا تا مدت نامعلومی به تعویق افتاد و همزمان برخی

گروه‌های مسلح از مخالفت خود با اجرای این توافق خبر دادند. در نتیجه می‌توان گفت مهم‌ترین اثر و تبعات حمله شیمیایی دیروز را «معلق شدن توافق خروج شیعیان از فوعه و کفريا» خواند.

در یک تحلیل بدبینانه رایج، بخشی از نظام سوریه همواره به اهمال در پیگیری وضعیت ناگوار شیعیان در شمال سوریه متهم می‌شود. به عقیده این تحلیلگران، بخشی از ارتش سوریه به خوبی می‌داند یکی از مهم‌ترین انگیزه‌های رزمندگان شیعه‌ای که علیه تکفیری‌ها در شمال سوریه می‌جنگند، حمایت از شیعیان مظلومی است که زیر بار محاصره و بمباران قرار دارند. حالا اگر قرار باشد شیعیان از محاصره و کشتار روزمره خارج شوند، انگیزه مبارزاتی رزمندگان داوطلب غیرسوری شیعه کاهش می‌یابد و این امر برای ارتش سوریه ناگوار است.

همچنین توافق مستقیم میان ایران و جیش الفتح، موقعیت سیاسی آنکارا و مسکو را تضعیف می‌کند؛ زیرا آن‌ها همواره مدعی می‌شوند یگانه راه برون‌رفت از بحران سوریه، کانال آنکارا مسکو است؛ زیرا این دو کشور از توان اثرگذاری بر طرفین بحران برخوردار بوده و همزمان خود را به تلاش برای حل بحران پایبند نشان داده‌اند!

نتیجه‌گیری

به نظر می‌رسد رویکرد واقع‌بینانه به بحران سوریه ایجاب کند هر دو احتمال را جدی بگیریم و در رفتارهای آینده جبهه مقاومت لحاظ کنیم.

برای فرماندهان و تصمیمگیران جبهه مقاومت بسیار ضروری است که خارج از جنگ روانی رسانه‌ای و فشارهای بین‌المللی، تیم تحقیقاتی مستقل از دمشق و مسکو تشکیل داده و منشأ فاجعه دیروز را شناسایی کنند.

در صورت دستیابی به نشانه‌های بیش‌تر، پایگاه خبری تحلیلی فردا گزارش‌های تکمیلی در مورد منشأ فاجعه حمله شیمیایی به خان شیخون منتشر خواهد کرد.